

براساس تعریف فرهنگ لغت آکسفورد از کلمه «کارتون» به‌عنوان فعل، تفاوت مختصری میان دو کلمه «کاریکاتور» و «کارتون» وجود دارد. در واقع، کارتون و کاریکاتور در این فرهنگ دقیقاً به‌عنوان دو کلمه مترادف به‌کار رفته‌اند. بدیهی است که این دو کلمه در زبان محاوره مفهومی بسیار نزدیک به هم پیدا کرده‌اند.

همان‌طور که از مفهوم ریشه ایتالیایی این کلمه (کاریکارا یعنی شباهتی که در آن خصوصیات ویژه موضوع به نحوی اغراق‌آمیز و غیرطبیعی نمایانده می‌شود) برمی‌آید، دیگر کاریکاتور محدود به تصویر الزامی چهره نیست. همان‌طور که کارتون همیشه قطعاً در رابطه با موضوعات سیاسی یا مباحث جاری کاریکاتور نیست. آنچه بدان کاریکاتور اطلاق می‌شود، ممکن است تنها یک طرح تمثیلی یا کنایه‌ای باشد؛ با این هدف که به جای خنداندن، بیننده را به تفکر وادارد. آنچه از کلمه کاریکاتور برمی‌آید، این است که یک اثر کاریکاتور معمولاً مقداری تخیل و اغراق در خود دارد. مهم‌تر از آن اینکه در بیان هدف خود از اصطلاح روزمره و عام به همان شکل متداول بهره می‌گیرد. این خود یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده کاریکاتور در نقطه زمانی خلق اثر است. شواهد موجود نشان‌دهنده این حقیقت است که برای دستیابی به تعریف واقعی کاریکاتور نباید به بررسی سبک خاص هنرمند در خلق یک اثر کاریکاتور پرداخت بلکه ملاک شناختن افرادی است که او به‌عنوان ناظران یا بینندگان اثر خود در نظر می‌گیرد.

آثار کاریکاتور به‌رغم تنوع و تفاوت آشکارشان با یکدیگر از یک جنبه اصلی و اساسی مشترک برخوردارند و آن، اینکه همه آن‌ها برای چاپ طراحی می‌شوند. با توجه به نکات یاد شده اکنون روشن است که مترادف بودن دو واژه کاریکاتور و کارتون و به‌ویژه کاربرد کاریکاتور به جای هر دو در زبان فارسی، بر چه اساسی است. در نقاشی‌های نقاشان بزرگ قرن ۱۶ میلادی، از قبیل هولباین و بروگل، نقش‌های کاریکاتور مانند، فراوان وجود دارد. به‌طور مشخص، کاریکاتورسازی که اساس آن تأکید بر جنبه خنده‌آور اشخاص موضوع کاریکاتور است، در قرن ۱۷ میلادی به دست کاراتچی در ایتالیا پایه‌گذاری شد.

تفاوت کاریکاتور و کارتون

سیدعلی معراجی

مدرس هنر آموزش و پرورش استان گیلان



در قرن ۱۸ میلادی بازار کاریکاتور انگلستان رونق بسیار یافت و کاریکاتورسازی از قبیل هوگارت با بسط دامنه هنر کاریکاتور، به ساختن کاریکاتورهای هجوآمیز اجتماعی و سیاسی نیز پرداختند و به این ترتیب، گامی در راه تهیه کارتون برداشتند. در قرن ۱۹ میلادی، نشریاتی که اساس کار آن‌ها کاریکاتور بود، در میان مردم اروپا و کشورهای متحد آمریکا محبوبیت فراوان داشتند و هنرمندان سرشناسی از قبیل ادومیه، ج. تنیل، م. بیروپوم و د. لو، در تهیه این کاریکاتورها فعال بودند.

در مجسمه‌سازی نیز از حرف‌های کاریکاتوری بهره گرفته می‌شود اما نه به اندازه طراحی. در ادبیات هم کلمه کاریکاتور به توضیحاتی که جنبه مسخره‌آمیز یا هجوآمیز دارد و شخص یا اشخاص مورد توصیف را به شکل اغراق آمیزی مجسم می‌کند، اطلاق می‌شود و سابقه این شیوه به یونانیان باستان می‌رسد. چارلز دیکنز از جمله نویسندگان بزرگی است که از «کاریکاتورهای ادبی» در آثار خود فراوان استفاده کرده است. کاریکاتور از لحاظ جنبه‌های ظاهری خود تفاوت‌های بسیاری با سایر هنرهای تصویری و تجسمی دارد. همان‌طور که از اسم کارتون برمی‌آید و تجسماتی که در ذهن ما نسبت به آن شکل می‌گیرد، برای خلق کارتون می‌بایست از تصاویر به اصطلاح کاریکاتورگونه استفاده کرد. بر همین اساس، کارتون به دنبال موضوعیتی عام‌تر و دنباله‌دار است و برخلاف کاریکاتور، هدفش رساندن سریع یک پیام کلی در قالب تصویر واحد با اختصار عناصر تصویری نیست. کارتون به جای یک تصویر به دنبال نشان دادن جوانبی بیشتر (نماهای بیشتر) برای درک اثر توسط مخاطبان است. همچنین، هدف، لذت‌بردن مخاطب از دیدن تصاویر به هم بافته شده در چند فریم است و کمتر به جنبه‌های تفکری قضیه یا اینکه حتماً مخاطبان را روی تک‌تک تصاویر متوقف کند توجه دارد و هدفش را در مجموعه تصاویر جست‌وجو می‌کند. بدین‌سان، تصویری که جامعه از کارتون در ذهن دارد، چیزی است که از تلویزیون به عنوان برنامه کودک پخش می‌شود؛ در صورتی که کارتون صرفاً به برنامه‌های تلویزیون اطلاق نمی‌شود بلکه به از فرم انداختن (دفرمه کردن) و جذاب‌تر نمودن تصویر هر چیزی اعم از انسان، حیوان، طبیعت و طبیعت بی‌جان که حالتی جذاب و خنده‌دار پیدا می‌کند، اطلاق می‌گردد. می‌توان گفت که کاریکاتور و کارتون آن قدر به هم نزدیک‌اند که مرز میان آن‌ها را می‌توان همان پیام‌رسانی سریع و تفکربرانگیز کردن کاریکاتور بیان کرد.

خودش را پیدا کرده است و هر چند جزء زبان فارسی نیست، آن چنان در فرهنگ ما جای گرفته که جدا کردن آن از زبان فارسی بسیار مشکل است. باید این مسئله را در نظر داشت که هر ملت و قومی که فن و هنری را می‌سازند و ابداع می‌کنند، حق دارند نامی برای آن هنر و فن برگزینند. در این میان، اقوام و مللی که پذیرای آن فن و هنرند، اگر توانستند واژه مناسبی جایگزین نام آن کنند که تمام جوانبش را دربرگیرد، هیچ ایرادی ندارد اما اگر به‌خاطر تعصب بی‌جا یا ناتوانی در به‌کارگیری واژه مترادف آن سعی در تغییر واژه داشته باشد، کاری مذبوم انجام داده‌اند. مخصوصاً در مورد کلمه کاریکاتور که حدود یک قرن است با فرهنگ و زبان ما عجین شده است. بر همین اساس، در فرهنگ لغت‌ها برای کلمه کاریکاتور تعاریف متعددی آمده است. در این بخش مروری داریم بر نوشته‌های فرهنگ‌های فارسی و خارجی، ذیل واژه‌های کاریکاتور و کارتون تا تعاریف و احتمالاً معادل‌های فارسی آن‌ها را بررسی کنیم.

فرهنگ لغت آکسفورد

فرهنگ لغت آکسفورد تعاریف این دو کلمه را به صورت زیر ارائه می‌دهد:

کاریکاتور (اسم): ۱. هنر ارائه تصاویر اشخاص یا اشیا که در آن صفات و خصوصیات بارز فرد یا شیء به نحوی اغراق‌آمیز، مضحک و غیرطبیعی به تصویر کشیده می‌شود؛
کاریکاتور (اسم): ۲. تصویر یا هر اثر هنری دیگری که به نحوی مضحک و اغراق‌آمیز ویژگی‌های موضوع اصلی را به نمایش گذارد؛

کاریکاتور و کارتون

در فرهنگ لغت‌های مختلف داخلی و خارجی کاریکاتور کلمه‌ای است که در زبان فارسی معانی خاص

کاریکاتور (فعل): ۱. تصویر مشابه، مضحک و غیرطبیعی از چیزی ارائه‌دادن؛
کاریکاتور (فعل): ۲. تقلید کردن از روی تمسخر؛
کارتون (اسم): تصویری که دربرگیرنده تمام صفحه یک روزنامه یا نشریه است و به‌خصوص، به روزنامه‌های فکاهی در ارتباط با وقایع جاری اطلاق می‌شود؛
کارتون (فعل): کاریکاتور کشیدن، نشان دادن چیزی به قصد تمسخر.
«ادوارد لوسی اسمیت» ضمن بررسی دو واژه «کاریکاتور»

حال باید به اصل موضوع شبیه باشد.
کاریکاتور **یست**: نقاشی که پیشه وی ساختن کاریکاتور است، گفته می‌شود.
فرهنگ عمید
کاریکاتور: ۱. {فو}. Caricature تصویر خنده‌آور، شکل مضحک، نوعی نقاشی که نقاش تصویری از کسی یا چیزی بکشد و وقایع را بزرگ‌تر و آشکارتر و در عین حال مضحک نشان دهد.
کاریکاتور **یست**: ۱. {فو}. caricaturist نگارنده کاریکاتور؛ نقاشی که تصویرهای مضحک بکشد.

فرهنگ شمیم (امیرکبیر سابق)
در مورد کلمه کاریکاتور در فرهنگ شمیم (امیرکبیر سابق) این‌طور آمده است:
کاریکاتور. caricature (ا) نوعی از نقاشی که نقاش فقط با ترسیم چند خط، تصویری از اشخاص می‌رساند که در عین شباهت به اصل، دارای جنبه شوخی و مزاح است.

فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (پرویز مرزبان و حبیب معروف)
در فرهنگ مصور هنرهای تجسمی، واژه‌های موردنظر ما به‌صورت زیر آمده‌اند:
کاریکاتور: caricature چهره‌سازی طنزآمیز با بیانی مبالغه‌آمیز
۱. زیر طرح: cartoon کار برای نقاشی دیواری یا قالی‌بافی و مانند آن
۲. چهره‌سازی مبالغه‌آمیز، کاریکاتور
۳. ردیف تصاویر داستانی
۴. نقاشی متحرک، نقاشی فیلمی
۵. شعار مصور، آگهی مصور

و «کارتون» در سه فرهنگ‌نامه اکسفورد، چمبرز و کولینز گفته است که این فرهنگ‌ها تعاریف مبهمی در مورد این دو کلمه ارائه داده‌اند که راضی‌کننده نیست. البته دو فرهنگ چمبرز و کولینز بر لزوم تمام صفحه‌ای بودن کارتون تأکید چندانی ندارند و به این نکته که تصاویر کارتون در رابطه با وقایع جاری مورد بحث روز است، اشاره کرده‌اند.



فرهنگ معین

کاریکاتور: تصویری مضحک که نقاش در ترسیم آن نکات و وقایع را بارزتر و بزرگ‌تر نشان می‌دهد، و در عین

نگارگری) را معادل humorist و «کاریکاتورساز، نقاش هجوآگرا (در اصطلاح نقاشی)» را برابر satirist گذاشته‌اند. حاوی تصاویر سرگرم‌کننده و انواع گوناگون آگهی را بدون کارتون تصور کرد؟

امروزه کارتون اهمیت روزافزونی یافته است. طی سال‌های اخیر، آگهی‌های چندین میلیون دلاری در امر تبلیغات به چند کارتون تجاری ساده تبدیل شده‌اند. در بسیاری جاها، کارتون‌ها بدون هیچ تزلزل و تردیدی سلطه یافته‌اند. طبیعی‌ترین کارتون‌سازان جهان، کودکان هستند.



آنان با کمترین تلاش موفق به طراحی کارتون می‌شوند. گاهی بعضی طراحان کارتون به شکل تفنی و به‌منظور تمدد روحی به این قریحه طبیعی که تقریباً همه کودکان از آن برخوردارند، روی می‌آورند. حتی هنگامی که کودکی به طراحی برنامه‌ریزی شده تشویق و هدایت می‌شود، می‌تواند به کمک بزرگسالان نوآوری‌های عظیمی در فوت و فن طراحان کارتون پدید آورد.

اما در مورد پیشینه واژه انگلیسی «کارتون» می‌توان گفت: اصطلاح «کارتون» را به معنای امروزی آن برای اولین بار مجله «پانچ»، که پدر همه نشریه‌های طنز است و

فرهنگ دهخدا

کاریکاتور: به شکل و تصویر مضحک، صورتی خنده‌دار از اشخاص یا چیزی گفته می‌شود.

فرهنگ نظام (سیدمحمدعلی داعی‌الاسلام)

در میان فرهنگ‌های عمومی فارسی، شاید قدیمی‌ترین فرهنگی که مدخل کاریکاتور را آورده است، فرهنگ نظام، «سیدمحمدعلی داعی‌الاسلام» باشد که چاپ اول آن در حیدرآباد دکن در پنج جلد منتشر شده است. در این کتاب «کاریکاتور» چنین تعریف شده است:

کاریکاتور: تصویر مسخره چیزی که عموماً در جراید چاپ می‌شود. «این لفظ فرانسوی است.» این تعریف در عین اختصار دقیق است. دهخدا در لغت‌نامه همین تعریف را به نقل از فرهنگ نظام آورده و افزوده است: «شکل و تصویر مضحک، صورتی خنده‌آور از شخص یا چیزی.»

فرهنگ دایرةالمعارف فارسی (مصاحب)

در میان منابع فارسی، دقیق‌ترین و کامل‌ترین تعریف‌های کلاسیک واژه‌های موردنظر را ارائه می‌دهد. در این فرهنگ کلمه کاریکاتور به صورت زیر تعریف شده است:

کاریکاتور: «نقش طنزآمیزی که اجزاء صورت یا اعضای بدن یا خواص شخص یا اشخاص را به نحوی اغراق‌آمیز و اغلب خنده‌آور مجسم کند.»

زبان عین تفکر است و اگر قومی تفکر نداشته باشد، زبانش مرده و بی‌جان است و زبان لغت‌نامه است. رسا بودن و نارسایی یک زبان در تعداد لغت‌های آن نیست که با وضع لغت و واژه‌سازی بتوان زبان را غنی و رسا کرد. زبان هر قوم تاریخی دارد و در طی تاریخ زبان هم بسط و قوام می‌یابد و چون تفکر از یاد برود یا ضعیف گردد، زبان هم سست و آماده خرابی می‌شود. بر همین اساس، می‌توان گفت «کاریکاتور» و واژه‌های مرتبط با آن اکنون جزء واژگان زبان فارسی هستند و اهل زبان پس از گذشت نزدیک به یک قرن هیچ غرابتی در کاربرد آن‌ها احساس نمی‌کنند.

تعریف کارتون

چگونه می‌توان روزنامه‌ای را فاقد بخش طنز، یک صفحه سرمقاله را بدون وجود یک کارتون در وسط آن، تلویزیون را بدون کارتون‌های متحرک، تئاتر را عاری از کمدی‌های کارتونی زنده، مجلات و نشریات تجاری را تهی از صفحات



تارها می‌گذارند تا در بافته راهنما باشد. در نقاشی فرسک، خطوط کارتون را با سوزن سوراخ می‌کنند و روی آن گرده رنگینی می‌پاشند تا رنگ آن به روی سطحی که فرسک باید روی آن ساخته شود، بیفتد.

کارتون‌های دورهٔ رنسانس، مانند کارتون‌های رافائل برای فرشینهٔ نمازخانهٔ لیستین و کارتون‌های مانتینا برای نقش پیروزی قیصر، از جمله شاهکارهای هنری به‌شمار می‌روند. در روزنامه‌نگاری، نقاشی فکاهی یا هجایی که با مبالغه ترسیم شده، غالباً با نوشته‌ای همراه است. در کارتون‌های سیاسی اغلب از کاریکاتور استفاده می‌شود. این‌گونه کارتون‌ها نخستین‌بار در قرن ۱۶ میلادی در آلمان در دورهٔ اصلاح دینی روی کار آمدند و تأثیر تبلیغاتی فراوانی داشتند. در قرن ۱۸ میلادی در انگلستان بر اثر کارهای هوگارت و دیگران، کارتون جزء ضروری روزنامه‌ها شد. در انتخابات ۱۸۷۱ و ۱۸۷۳ شکست تمنی هال بیشتر نتیجهٔ تبلیغات کارتون‌هایی بود که در هفته‌نامهٔ هارپر چاپ می‌شد. با پیدایش چاپ رنگین کارتون‌های فکاهی و طنزرواج یافتند و نخستین نوع آن‌ها در سال ۱۸۹۳ در مجلهٔ ورلونیویورک منتشر شدند. کارتون در زبان عامیانه به برنامه‌های کودکان گفته می‌شود که آنان و حتی بزرگ‌ترها را سرگرم می‌کند اما از لحاظ هنری، به تصویری می‌گویند که دربرگیرندهٔ تمام صفحه از یک روزنامه یا نشریه باشد و به‌خصوص به روزنامه‌های فکاهی در ارتباط با وقایع جاری اطلاق می‌شود. کارتون از لحاظ فعلی و دستوری به کاریکاتور کشیدن و نشان دادن چیزی به تمسخر، گفته می‌شود. بشر مراحل و اعصار بسیاری را سپری کرده و این تحولات موجب متروک شدن بعضی از حرفه‌ها و مشاغل شده است. با وجود این، می‌توان گفت که ما همواره در عصر «تصویر» خواهیم زیست. روند زندگی شتابان امروزی موجب روی آوردن مردم به تماشای تصویری شده است که در یک چشم به‌هم زدن می‌توان آن‌ها را درک کرد. در چنین دنیای پرمخاطره و آکنده از پستی و بلندی‌ها و غم و اندوهی نیاز مبرمی به «تصاویر طنزآمیز» احساس می‌شود. کارتون‌های آرامش‌بخش این نیاز ما را رفع می‌کنند. در واقع، لذتی که در طراحی کارتون وجود دارد، بیشتر از مبادرت به هر کار دیگری است.

طی سال‌های ۱۸۴۱ تا ۱۹۹۲ منتشر می‌شد، به‌کار برد. تا آن زمان، کارتون در اصطلاح هنری به‌معنای طرح اولیه و کاملی بود که یک تصویر هنری، مانند نقاشی یا کاشی کاری، براساس آن پرداخته می‌شد. در سال تأسیس مجلهٔ پانچ تعدادی کارتون به‌منظور تهیهٔ پروژه‌های نقاشی برای نصب در تالارهای بنای جدید پارلمان انگلستان در لندن فراهم شده بود. این مجله آن کارتون‌ها را در قالب تعدادی طرح طنزآمیز به طعن و تمسخر گرفت که مورد استقبال خوانندگانش واقع شد. از آن پس، اصطلاح کارتون در معنای کنونی آن رواج یافت.

کارتون در هنرهای زیبا به طرح مقدماتی برای یک کار هنری به همان اندازه که بعداً باید به‌صورت فرسک یا نقاشی روغنی یا موزاییک یا معرق یا ترکیبی از شیشه‌های رنگین برای در و پنجره و یا فرشینه تهیه گردد، گفته می‌شود. چون این طرح روی کاغذ ضخیم یا مقوا رسم می‌شود، این نام به آن داده شده است. شیشه یا موزاییک یا معرق را درست به اندازهٔ الگویی که از روی کارتون برمی‌دارند، می‌برند یا می‌تراشند، ولی در فرشینه، کارتون یا نقشه را زیر

